



26 می 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

## نامه های سردار محمد داؤد به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

به سلسله نشر اسناد تاریخی که اکنون درباره دو بیانیه محمد داؤد خان: یکی بیانیه "اعلام جمهوریت" مورخ 26 سرطان 1352 و دیگر بیانیه "خطاب به مردم افغانستان" مورخ اول سنبله همان سال ارائه گردید، لازم است تا نامه های بسیار مهم و سرنوشت ساز موصوف را که در جریان آخرین سال صدرات خود معنونی پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه نوشته است، به نشر سپرد. اگر به محتوای همین نامه ها در همان وقت به نحوی توجه مبذول میگردید و یا لا اقل در ماده 24 قانون اساسی 1343 محدودیت بر فعالیت سیاسی آزاد "عم و ابنای عم پادشاه" وضع نمی شد، به یقین که مسیر تحول نظام شاهی به گونه ای نمی بود که با کودتای سرطان 1352 تغییر کرد. با مطالعه این نامه های تاریخی و مهم میتوان به عمق موضوع پی برد که چگونه دست های از ارگ گرفته تا مقامهای دیگر در اینکار دخیل شدند و مسیر را به سمت دیگر کشانیدند.

در این نوشته فقط میخواهم به اقتباس این نامه ها بپردازم و اما تحلیل و بررسی آنرا که چرا محمد داؤد خان به نوشتن این نامه ها دست یازید، عکس العمل پادشاه چگونه بود، چرا محمد داؤد خان از مقام صدارت استعفی داد و بعداً او به چه اقدامات متوسل شد، به یک وقت دیگر موكول سازم، زیرا اینها همه سؤالیهای اند که ایجاب شرح و بسط مزید را مینمایند.

در اینجا مقصد از سه نامه مهم و سرنوشت ساز است که محمد داؤد خان صدراعظم وقت پیشنهادات خود را به هدف ایجاد تحولات اجتماعی - سیاسی در کشور بحضور پادشاه افغانستان تقدیم کرده است: نامه اول مورخ 9 سرطان 1341؛ نامه دوم مورخ 24 جدی 1341 و بالاخره نامه سوم استعفی محمد داؤد خان از مقام صدرات مورخ 19 حوت 1341.

قبل از آنکه به متن این نامه ها پرداخته شود، لازم به تذکر است که متن این نامه ها در آنوقت رسماً انتشار نیافت ولی بعد از مدتی دست بدست و زبان بزبان افشاً گردید و پس از کودتای 26 سرطان 1352 رسماً در اختیار قرار گرفت که اینک متن مکمل آنها را با استفاده از مآخذ دست داشته خدمت علاقمندان تاریخ معاصر کشور تقدیم میدارم:

### نامه اول محمد داؤد خان صدراعظم بحضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه:

مورخ 9 سرطان 1341 شمسی (30 جون 1962)

«حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان!»

آنچه را امروز حضور شما بعرض میرسانم، تصور میکنم در سرنوشت آینده ملت افغان آنقدر مهم و حیاتی و به دوره سلطنت شما آنقدر اقدام بزرگ و تاریخی باشد که میتوان در اطراف آن کتابی نوشت و یک عالم دلائل و توضیحات بعرض رساند. اما میدانم عریاض طولانی هم برای کسیکه مینویسد و هم برای خواننده بعضاً خسته کننده می باشد، لذا نمی خواهم عریضه من طولانی باشد. کوشش میکنم بصورت بسیار مختصر چیزها را که بعقیده خود که همیشه عقیده من بوده و خواهد بود، خیر و سعادت ملت افغانستان و اقدام بزرگ و تاریخی دوره سلطنت شما میدانم، بحضور شما

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولۍ

بعرض برسانم. موجبات و دلایل اینکه چرا تحول اجتماعی باید درین مملکت بعمل آید، ضرور نیست درین جا توضیح کنم. زیرا دراطراف آن همیشه صحبت نموده ایم. افکار و نظریات بنده درین خصوص گمان میکنم کافی روشن و بحضور شما معلوم است. تصور میکنم که بهترین موقع اظهار همچو یک مفکوره از طرف حکومت وقتی بود که پلان دوم اقتصادی به شورای ملی تقدیم میشد و درضمن آن خطوط اساسی تحول اجتماعی به سمع و کلای شورا رسانیده میشد. چون ازیکطرف از طرز تفکر بعضی از رفقای کابینه اطلاع نداشتیم و ازطرف دیگر حضور شما بکابل تشریف نداشتید، بنا براین موقع گذشت، اما هر قدم که برای خیر و سعادت ملی برداشته میشود، به هر وقت و زمانیکه باشد، یقیناً مفید و مؤثر است، مشروط براینکه بسیار ناوقت نشده باشد.

بعقیده من جریانات عصر و زمان تحولی را ایجاب میکند و حضور شما چنین یک تحولی را به حال مملکت موزون و مفید میشمارید که بنده از هر نقطه نظر آنرا لازم میدانم، پس تصور میکنم عملی ساختن همچو یک مفکوره اگر بوقت و دریک فضای نسبتاً مساعدتر صورت بگیرد، تأثیر آن عمیقتر و انعکاسات آن خوبتر خواهد بود. ازین لحاظ بنده همین موقع را برای شروع این کار به وقت و بجا میدانم. شک نیست که تطبیق پلان پنجساله اول از هر جهت نزد اکثر طبقات بی تأثیر نبود و نهضت نسوان که یک قدم مهم اجتماعی بود، مخصوصاً نزد طبقات منور و جوان طرف تقدیر واقع شد و روی همرفته تا اندازه یک فضای امید و خوشبینی تولید نمود. اما باید دانست که انکشاف اقتصادی، افکار و ذهنیت های جدید اجتماعی را حتماً با خود آور نیست و اگر در قسمت حیات معنوی که به عقیده من فوق العاده مهم، ضروری و خالی از اشکال نیست، توجه و سنجش عمیق بعمل نمی آید و به غرض رهنمائی یک ملت به مقصد رسیدن به هدف مطلوب، موازی با پلان اقتصادی، پلان تحول اجتماعی طرح و عملی نمی گردد، روزی خواهد رسید که موازنه بکلی برهم بخورد، دفتراً این مملکت به مشکلاتی دچار گردد که ممکن است در آن وقت حل آن انقدر سهل و ساده نبوده و به منفعت ملی افغانستان تمام نشود، چه مردم، مخصوصاً طبقه منور، از نقطه نظر اجتماعی آرزومند تحول بوده و به آن انتظار دارند و درخفا اقسام افکار و عقاید و ذهنیتها موجود است. اجانب برای مقاصد سیاسی خود مشغول فعالیت اند، این طرز حکومت برای مردم مخصوصاً طبقات منور چندان خوش آیند نیست و خسته شده اند.

برای حضور اعلیحضرت و بعضی دیگران، اگر این طرز قابل تحمل است، برای بنده که منسوب به خاندان هم هستم، چون عاقبت آنرا به ضرر مملکت و ناکامی سلطنت می بینم، براستی عرض میکنم که بعد ازین قابل دوام نیست. از طرف دیگر بصورت مستقیم و غیرمستقیم منسوب به خاندان، کاردار و یا بیکار، خورد و کلان، امتیازاتی به خود قائل هستند و این چیز را یک حق مثبت و طبیعی خود میدانند، قوانین مملکت هرچه باشد در نظر آنها بیش از چند کلمه بی معنی ارزش دیگر ندارد و غیره و غیره.. پس با همه باید مطابق مطابق قانون و مقررات رفتار کرد.

پرسش و بازخواست وقتی ممکن و مؤثر شده می تواند که در آن امتیازی موجود نباشد و اگر امتیاز موجود شد، مفهوم حقیقی قانون و عدالت از بین رفته و اگر این بازخواست یک طرف اجرا می شود، نتیجه آن جز از تولید عکس العمل و بدبینی به مقابل حکومت و سلطنت چیزی دیگری نخواهد بود.

اعلیحضرتا!

صفحات گذشته افغانستان بهترین درس است که میتوان از آن عبرت گرفت، تاریخ گذشته افغانستان و آنچه را که خود در حیات دیدیم و تجربه کردیم، به ما واضح ساخت که جاه طلبی ها و رقابت ها و شخصییات و خودسری های افراد در خاندان سلطنتی و یا در دستگاه حکومت و چه در بین طبقات با نفوذ مملکت، جز ناکامی و بربادی خود آنها، خساره مالی و مصئونیت مملکت نتیجه نداشت و ندارد. خدا نکند که آن وقایع تلخ در این عصر و دوره سلطنت اعلیحضرت شما دوباره تکرار شود. من که بارها بحضور شما عرض نموده ام، از صمیم قلب یکبار دیگر عرض میکنم که این طرز اداره مملکت و این فضای خاندانی با ذهنیتی که آن ها تربیه شده اند، بعد ازین با هر تعبیری که از آن کرده شود، چه از نگاه مسئولیت وظیفوی و چه از نقطه نظر عقیده شخصی برای من قابل تحمل نیست.

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولۍ

لذا نظر و پیشهاد من بحضور اعلیحضرت شما ازین قرار است:

### الترناتیف اول:

اینکه ملت افغانستان چه شکل اداره را برای مملکت مفید و مناسب میدانند، توسط یک ریفراندم عمومی رأی آزادانه ملت افغانستان خواسته شود. درجه فهم و تطبیق عملی ساختن همچو یک رأیگیری نظر به سوبیه فعلی مردم ما چه خواهد بود، خیلی مجهول و در ظاهر غیرعملی به نظر میرسد. ازطرف دیگر چون در همچو یک ریفراندم طبیعتاً حرف از سیستم های مختلف بمیان خواهد آمد، لذا فیصله و قرار آخرین آنها تنها و تنها به شخص اعلیحضرت شما بحیث پادشاه افغانستان مربوط است و بس.

### الترناتیف دوم:

**1 -** کمسیونی مرکب از متخصصین حقوق و اشخاص با صلاحیت و باتجربه تعیین گردد تا در قانون اساسی تجدید نظر نموده، پروژه های **قانون اساسی جدید را به اساس سلطنت مشروطه** ترتیب و به حکومت تقدیم دارند.

**2 -** همچنین عین کمسیون یا کمسیون دیگر قانون انتخابات و دیگر قوانین مهم که به قانون اساسی رابطه نزدیک دارد، تدوین و بغرض غور و مطالعه بحکومت تقدیم دارند.

**3 -** پس از غور و تصویب دولت لویه جرگه انعقاد گردیده و **قوانین مذکور بغرض غور و تدوین و تصویب به لویه جرگه تقدیم گردد.**

**4 -** پس از تصویب قانون اساسی ازطرف لویه جرگه آمادگی برای انتخابات گرفته شده و به اساس قانون جدید انتخابات عملی گردد.

**5 -** باختم انتخابات و افتتاح شورای جدید **(به اساس یک حزب و دو حزب)** حکومت فعلی مستعفی و حکومت جدید تشکیل و زمام امور مملکت را بدست خواهد گرفت.

این اجراء باید به اساس این پروگرام بوقت معین عملی گردد.» (پایان نامه اول)

++++++

قرار معلوم طوریکه از مکتوب دوم محمد داؤد خان بر می آید: اعلیحضرت به تاریخ 12 سنبله 1341 مکتوب محمد داؤد خان را پاسخ دادند و در اصول با ایشان موافقت کردند و حتی آنرا یکی از آرزوهای پدر شهید شان اعلیحضرت محمد نادرشاه خواندند، ولی عملی شدن آنرا به وقت و زمان مناسب و افرادی که بتوانند مسئولیت عملی ساختن آنرا بدوش گیرند، موکول نمودند. با آنهم محمد داؤد خان در جواب اعلیحضرت باردوم پرداخته و پیشنهادات خود را درجهت تحول اجتماعی جامعه افغانی درنامه دوم مکرراً با تفصیل بیشتر به حضور پادشاه تقدیم نمود، از اینقرار:

### نامه دوم محمد داؤد خان بحضور پادشاه:

مورخ 24 جدی 1341 شمسی (11 جنوری 1963)

«حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان!

به جواب مکتوب مورخه 12 سنبله 1341 اعلیحضرت احتراماً بعرض میرسانم:

برای من و رفقایم جای بس مسرت است که اعلیحضرت همایونی در اصل پرنسیپ میفرمایند که یکی از آرزوهای دیرین شان است، الحمدلله توافق نظر موجود است، همچنین اعلیحضرت به نکته مهم دیگری تماس فرمودند و می نویسند

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

که: «بلکه یک هدف مقدس و مشخص است که از افکار و آرزوهای عالی مؤسس این دوره یعنی اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید سر چشمه میگیرد و امانتی است که بردوش ما گذاشته شده است...».

بلی! یک حقیقت مسلم است و به پیروی از افکار و آرزوهای عالی آن شخصیت بزرگ است که میخواهم به آن هدف مقدس و مشخصی که خیر و بهبود ملت افغان در آن متصور است، نائل شوم. این فرمایش اعلیحضرت همایونی را کاملاً تأیید و تصدیق میکنم که اگر این مفهوم عالی انجام طبیعی و هدف نهائی این دوره نباشد گویا هم مبارزات و قربانی های پدران و مساعی امروزی ما معنی حقیقی خود را ازدست خواهد داد.

اینکه اعلیحضرت در پاراگراف اخیر بیان خویش به وقت و زمان و اشخاص و رجالی که فردا مسئولیت عملی ساختن این آرزو را بدون تردید بدوش گیرند، اشاره فرموده و آنرا دو عامل مهم، بلکه شرط اساسی تطبیق نمودن این آرزوها شناخته، فرمایش اعلیحضرت بجا است. در طی پیشنهاد به عرض میرسد که وقت آن رسیده است و ما به این عقیده رسیده ایم که چنین نهضتی آغاز گردد و هم بوجود آمدن اشخاص و رجالی که بایست اداره مملکت را در آینده به آنها تفویض نمود، مربوط به این است که چنین نهضتی موجود باشد و چنین محیطی ایجاد گردد تا استعداد مردم موقع بروز و انکشاف بیابد. من معتقدم که اگر چنین حرکتی نباشد، رجالی که مسئولیت اداره آینده را به عهده بگیرد، اصلاً بوجود نخواهد آمد.

پس از تذکر مطلب فوق اینک به اصل موضوع می پردازم. آرزوی یک تحول اجتماعی از دیر زمان به این سو نزد همه ما موجود است. به ساقیه این آرزوها درین چندسال اخیر در ترقی و تعمیم معارف، انکشاف عمومی اقتصادی و آماده ساختن محیط برای اصلاحات اجتماعی و نشو و نما افکار ترقی خواهی حتی الامکان سعی و مجاهدت بعمل آمده است که در نتیجه این مجاهدت و انکشاف مذکور طبقه معتدله جوانان و منورین در وطن بوجود آمده که حالا آرزوی این تحول به یک عقیده قابل تطبیق منجر گشته است. بنابراین وقت آن رسیده است که برآن غور بیشتر بعمل آید و سعی جمیل بکار رود تا برای مردم افغانستان یک محیط اجتماعی و سیاسی مناسبتر و مترقیتر ایجاد شود که در آن سیر تکامل جامعه و افراد این وطن در شرایط موافق با عصر و زمان و مطابق تعینات مردم امکان پذیر باشد. خوشبختانه این اهداف ما را دین اسلام تأیید میکند و از سوی دیگر سنن و روایات باستانی و ملی ما هم مؤید آنست.

برای تثبیت هدفهای مهم و نقاط برجسته چنین تحول با همکاران خود تبادل افکار نمودیم و پس از مباحثات زیاد، طولانی و مجالس متعدد به این نظر رسیدیم که بایست به توکل خدای بزرگ با نیت نیک و با حوصله فراخ این نهضت طوری برآه انداخته شود که بالتدریج به صورت ارتقائی به مدارج عالی تر منتج و منتهی گردد و نتایج مفید و مثبت از آن بدست آید.

اجرای این مرام و پیشبرد این نهضت طوری پیشبینی شده است که در ذیل بعرض میرسد:  
قانون اساسی افغانستان که در وقت و زمان دیگر و شرایط و ایجابات جداگانه ترتیب و تدوین شده است، باید تجدید گردد. نقاط اهم و هدفهای برجسته این قانون که پیشبینی میشود، چنین است:  
رژیم شاهی مشروطه و طرز حکومت پارلمانی و دیموکراسی خواهد بود. حقوق جلیله پادشاهی در آن تثبیت خواهد شد. پادشاه نشانه وحدت و سلطه ملی و شیرازه تمام مملکت است. پادشاه بالاتر از قوای سه گانه قرار دارد. پادشاه به صفت فرد اول کشور غیرمسئول شناخته میشود.

قانون اساسی تصریح خواهد کرد که اعضای خانواده سلطنتی کدام اند و چه حقوق و مزایا دارند.  
آزادی های فردی و حقوق شخصی درین قانون اساسی تثبیت خواهد شد.

در قانون اساسی جدید بوجود آمدن دو حزب پیشبینی خواهد شد که در سیستم پارلمانی دو حزب فعالیت خواهد کرد و برای اشغال کرسی های شورا جد و جهد خواهند نمود. حزب اکثریت را پادشاه به تشکیل حکومت مامور خواهد ساخت. قانون اساسی جدید تثبیت خواهد کرد که دولت عبارت از قوای سه گانه تقنینیه، قضائیه و اجرائیه می باشد.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

قوای تقنینیه از جرگه شورایی است که نمایندگان آن از اعضای حزب تثبیت شده از حوزه های معینه انتخابی خواهند آمد. قوه قضائیه متشکل از محاکم ثلاثه: ابتدائیه، مرافعه و تمیز است، که بکلی از تأثیر و اعمال نفوذ قوه اجراییه محفوظ و مصون خواهد بود. قانون انتخابات طبق شرایط یک نظام پارلمانی دیموکراسی ترتیب خواهد شد.

**در صورتیکه اساس تجدید نظر قانون اساسی منظور شود و تصمیم برای تدوین آن گرفته شود، اقدامات ذیل به عمل آید:**

**الف -** نشر یک ابلاغیه از طرف دولت که آغاز این تحول را با پروگرام آن به اطلاع عامه برساند.  
**ب -** یک عده علما و متخصصین برای تثبیت و تدوین مسوده قانون اساسی مؤظف خواهد شد که مسوده متذکره را در مدت 12 ماه ترتیب نماید.

**ت -** بعد از تهیه مسوده، لویه جرگه دعوت شود که به حیث مجلس مؤسسان، قانون مذکور را تدقیق و تصویب نماید.  
**ث -** بعد از تصویب قانون اساسی از طرف لویه جرگه، حکومت فعالیت حزبی را سهولت خواهد بخشید تا نمایندگان خود را از راه مرام حزبی به شورای ملی بفرستند. برای اینکه این فعالیت صورت بگیرد، حد اکثر شش ماه فرصت داده خواهد شد.

**ج -** در چنین سیستمی که آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماع و فعالیت سیاسی بیشتر شود و رونق زندگی گرم تر میگردد، حکومت سرپرست و حکومتهای مابعد دیگر برای حفظ امنیت و حفظ مصالح ملی به توجه و مراقبت جدی تر و مسئولیت بیشتر مواجه خواهد شد. لذا در خلال مدتی که قانون اساسی تدوین میشود، مسوده این قانون نیز تهیه میگردد. این است مفکور و پیشنهاد ما یعنی من و رفقایم که فوقاً بحضور شما رسانیده شد.

اعلیحضرتا!

دراخیر میخوایم عقیده شخصی خود را به عرض حضور شما برسانیم. باید بدانیم که این اقدام تحولی بزرگی است و هر قدم بزرگ مخصوصاً در مملکت ما شک نیست که مشکلات بزرگ هم دارد. اما گذشتن از مشکلات و رسیدن بمنزل مقصود در صورتی ممکن است که انسانها اولاً به آن مفکوره عقیده کامل داشته مشکلات و خطرات آنرا به تمام معنی قبول کرده باشند. پس از آن در تطبیق و عملی ساختن آن باعزم راسخ، خودگذری، صمیمیت و حسن نیت کامل به توکل خدای بزرگ بکوشند و بیاری خدای متعال پیش بروند. درخاتمه صحت، موفقیت و سعادت دارین اعلیحضرت شما را از درگاه خالق بی نیاز تمنا دارم. با احترام فایقه.» (پایان نامه دوم)

+++++++

این بار اعلیحضرت در برابر نامه دوم محمد داؤد خان سکوت اختیار کردند و به جواب آن نپرداختند. گفته میشود که اعلیحضرت اساساً تحول را آرزومند بودند و اما نمیخواستند تا ابتکار عمل در دست داؤد خان قرار داشته باشد و نیز اختلافات بین خاندان بخصوص رقابت بین سردار عبدالولی داماد پادشاه که به گفته مارشال شاه ولیخان: «حالا نوبت عبدالولی جان است»، اعلیحضرت را در یک موقف خاص قرار داده و ایشان با روکش کردن اینکه روابط با پاکستان در اثر سیاستهای محمد داؤد خان به حالت بحرانی رسیده است، ظاهراً از قبول پیشنهادهای او طفره رفتند. تا اینکه محمد داؤد خان تصمیم گرفت استعفی خود را از مقام صدارت رسماً با ارسال نامه سومی با متن ذیل بحضور اعلیحضرت تقدیم نماید:

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ

## نامه سوم متن استعفی محمد داود خان از مقام صدارت:

مورخ 11 حوت 1341 شمسی (2 فبروری 1963)

«حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان!»

نه [9] سال قبل ماه میزان بود که اعلیحضرت شما اعتماد فرموده وظیفه صدارت عظمی را به اینجانب تفویض نمودید. در همان وقت، اگر بیاد حضور شما باشد، عرض کردم که ممکن اعظمی الی سه سال بتوانم این وظیفه سنگین را ایفا نمایم. در ظرف این مدت واقعاتی بمیان آمد که مجبوراً دوام بوظیفه را ایجاب میکرد، مخصوصاً شروع و تکمیل پلان پنجساله اول که همه ما اخلاقاً خود را در اجرای آن مقابل مردم افغانستان مؤظف میدانیم، بیشتر سبب شد که مدت طولانی تری از آنچه لازم بود، تخمین کرده بودم به این وظیفه بمانم. پلان پنجساله انکشافی مملکت ما با تمام نارسائی ها و مشکلاتیکه در برداشت تا جائی که استعداد شخصی، قدرت مالی مملکت و سیاست داخلی و خارجی افغانستان اجازه میداد و ایجاب میکرد حتی المقدور کوشش بعمل آمد تا فیصدی بیشتر آنچه در پلان پیشبینی شده بود، به پایه تکمیل برسد و خداوند بزرگ را شکر گذارم که آن پلان به همکاری صمیمانه مردم نجیب افغانستان و مساعی و زحمتکشی مامورین مؤظف یکنیم سال قبل به پایان رسید. پلان دوم طرح و از ده ماه باین طرف کار آن آغاز گردیده و امیدوارم باز هم به همکاری نزدیک دولت و ملت و به خیر و سعادت ملت افغان موفقانه انجام گیرد و افغانستان عزیز را یکقدم دیگر بسوی پیشرفت و انکشاف مادی و معنوی که آرزو و تمنیات هر فرد وطندوست است، نزدیکتر سازد.

اعلیحضرتا!

بعقیده من از خدمت با صداقت مملکت و خدمت خلق مقدس تر چیزی نیست و اگر حیات برای یک انسان ارزشی دارد، باز هم ارزش و قیمت حقیقی آن در همین است و بس. این عقیده مخصوصاً در پیست های حساس و پرمسئولیت تا زمانی ارزش دارد که اشخاص بتوانند طور شایسته وظایف و مسئولتهای اداری و وجدانی خود را انجام دهند، ولی همینکه یک شخص بفهمد و حس کند که نظر بمعاذیری دیگر قدرت ایفای وظیفه را ندارد و باز هم بوظیفه دوام بدهد، بعقیده من گناه است. امروز نظر به فردا معاذیریکه حضور شما خوبتر هر کدام آنرا میدانید و از سالیان دراز هیچکدام آنرا از شما پوشیده نگذاشته ام، حس میکنم که بیش ازین دوام بوظیفه چه از نقطه نظر طرز فکر و چه نظر بوضع صحی بسیار دشوار است.

نظریات و پیشنهادات آخرین خود و بعضی از رفقای کابینه را در مورد غور برترمیم قانون اساسی مملکت و ایجاد تحولی در وضع اجتماعی مردم افغانستان برای یک آینده پا برجای دیموکراسی در وطن ما به تاریخ 24 جدی بحضور شما تقدیم نمودم. 47 روز از آن گذشت تاحال کدام جوابی نیست و منظور از گرفتن آن هم نیست، بلکه یگانه مقصد اینست که آن چیزی را که بحضور شما پیشنهاد نموده بودم از صمیم قلب و به عقیده ما قدم بزرگ و مفیدی برای خیر و سعادت آینده ملت افغانستان و موفقیت تاریخی دوره سلطنت شما بود که رشد اجتماعی ملت افغانستان و ایجابات عصر و زمان حتماً چنین تحولی را آوردنیست. پس از تجارب چندین ساله در خدمت این مملکت و با آنهمه حقایق اوضاع مملکت باز هم اگر چوکی صدرات عظمی را غنیمت شمرده به این وظیفه دوام بدهم، نه تنها از اعتماد شما سوئی استفاده کرده، بلکه برخلاف اصلهای عقیدوی و هدف زندگی خود رفتار کرده خواهم بود. لذا با کمال احترام از اعتمادی که در تمام دوره های ماموریت بمن فرموده اید از صمیم قلب اظهار شکران و سپاسگذاری نموده توسط این نامه استعفای خویش را بحضور اعلیحضرت شما تقدیم میدارم. سعادت و تعالی وطن عزیز و موفقیت اعلیحضرت شما را در راه خدمت افغانستان از درگاه خالق بی نیاز تمنی دارم. با احترام فایقه». (پایان استعفی نامه)

+++++

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

دارالتحریر شاهی بتاریخ 18 حوت 1341 (8 مارچ 1963) از طریق رادیو افغانستان اعلام کرد که اعلیحضرت معظم  
همایونی استعفای سردار محمد داؤد صدراعظم را قبول و شاعلی دکتور محمد یوسف را برای تشکیل حکومت جدید  
مامور فرمودند. محمد داؤد خان پس از 9 سال و 9 ماه و چند روز از کار رسمی دولت کناره گرفت، تا آنکه بتاریخ  
26 سرطان 1352 از طریق یک کودتای سفید دوباره بقدرت رسید. در این مقاله فقط خواستم سه سند مهم را که  
محتوای آن با آینده افغانستان ارتباط داشت، خدمت علاقمندان تاریخ کشور تقدیم دارم و اما تحلیل و بررسی آن موضوع  
جداگانه است که در صورت لزوم به آن انشاء الله بعداً خواهم پرداخت.

+++++

### مآخذ:

- 1) کتاب "تحلیل واقعات سیاسی افغانستان از 1919 تا 1996"، تألیف: عبدالحمید مبارز، چاپ اول 1375، صفحه  
209 تا 214؛
- 2) "رساله 26 سرطان 1352"، نوشته: انجنیر محمد کریم عطائی، منتشره پورتال "افغان جرمن آنلاین"، مورخ مارچ  
2013، صفحه 3 تا 7؛

---

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ